



## دوره‌گذاری مراحل تحولی «موضوع‌شناسی فقهی» در تاریخ فقه امامیه

سید محمد حسن حکیم<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

### چکیده

مسئله این پژوهش واکاوی و ردیابی تحولات بنیادین و دانشی «موضوع‌شناسی فقهی» است، اهمیت این تحولات از آنجایی است که منشأ شکل‌گیری «مرحله» یا «دوره‌ای» تاریخی در مسیر حرکت اندیشه فقهی - اصولی مذهب امامیه می‌باشد. در این مبحث دانشی، مطالعات تاریخ علم پژوهانه به صورت پیشین با مشکلاتی مواجه است چون: پیش - داوری، کاستی در روش و عدم تطابق با واقع تاریخی این پژوهش با رویکرد «پدیدار شناسانه» بر پایه کشف واقع تاریخی در بستر تحقق آن، بر آن است تا «موضوع‌شناسی فقهی» را مورد سنجش و مطالعه قرار دهد. به نظر می‌رسد برای دستیابی به این مهم «موضوع‌شناسی فقهی» را باید در چهارچوب حرکت عمومی اندیشه فقهی - اصولی امامیه و مراحل دانشی آن، مورد واکاوی قرار داد. در این نوشتار، مراحل دانشی، بر پایه تحولات «مسائل» یا «موضوعات» مورد مطالعه قرار گرفته است و شاخصه‌های دیگری مانند «شخصیت‌ها، مدارس، جغرافیا و دیگر عوامل» اگرچه عنصری محوری در مطالعه نبوده‌اند؛ به عنوان مکمل مباحث باید مورد توجه قرار گیرند. این پژوهش نمایانگر پنج مرحله تطور تاریخی و شکل‌گیری و تکامل در اندیشه «موضوع‌شناسی فقهی» است که نشان‌گر و ارتقای دانشی در سیر اندیشه فقهی - اصولی امامیه است.

**کلید واژه‌ها:** دوره‌گذاری، تحول دانشی، تاریخ فقه، موضوع‌شناسی، فقه امامیه.

۱. استادیار پژوهشکده علوم و معارف حدیث، پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران [hasan.hakim@yahoo.com](mailto:hasan.hakim@yahoo.com).

## مقدمه

حرکت در مسیر دانش و پیشبرد مباحث علمی، از رهگذر احاطه و از سرگذشت مراحل تحولی دانش آغاز می‌شود. ردیابی زمینه‌های پیدایش اندیشه و تلاش‌های دانشمندان در تکامل فروع علمی، روشن‌گر مسیر پیشرفت دانش و بازدارنده دوباره کاری‌هاست و پژوهش را از گرفتار شدن در دام خطاها و آسیب‌های پیشین صیانت می‌کند.

«موضوع‌شناسی فقهی» از مباحث بنیادین حوزه دانش فقه اسلامی است؛ این حوزه اندیشه‌گانی، به واسطه تبدل و دگرگونی موضوعات در دوران معاصر و پدیداری مستحدثات بی‌شمار، جلوه ویژه‌ای یافته است؛ حقیقتی که بازایی تاریخ این اندیشه و مراحل تحول دانشی آن را برای بهره‌گیری تام و برنامه‌ریزی مسیر پیش‌رو، امری ضروری می‌سازد.

مطالعه حرکت تاریخی «موضوع‌شناسی فقهی» اگرچه پیش‌تر نیز صورت گرفته است؛ کارهای پیشین با نقدهای جدی و اشکالاتی مواجه است که مانع از دریافت تصویری روشن از حرکت «موضوع‌شناسی فقهی» در تاریخ فقه امامیه می‌شود.

موضوع این پژوهش نقد تلاش‌های پیشین، قاعده‌گذاری و نیز تطبیق قواعد بر فرایند مطالعه تاریخی و سیر تحولات اندیشه‌ای «موضوع‌شناسی فقهی» است. به این ترتیب پژوهشگر این مقاله تلاش دارد تا با ارائه چهارچوب نظری روشن و ملاک‌های قابل نقد و ارزیابی، تحولات اندیشه‌گانی «موضوع‌شناسی فقهی» را در فقه امامیه مرحله‌گذاری کند.

خوانش‌های تاریخی «موضوع‌شناسی فقهی» بازه گسترده‌ای از مطالعات را به خود اختصاص داده است؛ مراد تاریخ‌نگاری‌هایی است که اهتمام به خوانش عمومی تاریخ فقه امامیه دارند. یکی از ویژگی‌های مورد مطالعه در این پژوهش‌ها به موضوعات احکام فقهی و تلاش فقیهان در مواجهه با این مسائل و موضوعات و نیز علاج آنها اختصاص دارد (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۲؛ جناتی، ۱۳۷۴ش، ص ۳۸۵ و ۴۷۹-۴۸۱؛ فرحان، ۲۰۰۸م، ص ۴۱، ص ۲۳۶، ص ۲۹۳ و ص ۳۲۵؛ شهابی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۰۱)، این دست نگارش‌ها، (اگرچه اشارات عام و کلی)، می‌تواند نوعی پیشینه عام برای این پژوهش باشد.

به غیر از خوانش‌های عام تاریخ فقه، نگارش‌های تخصصی تری نسبت به «موضوع‌شناسی فقهی» و در مسیر دانش فقه امامیه اختصاص یافته است؛ این گونه از نگارش‌ها را در دو سبک و عرصه می‌توان ردیابی نمود:

الف. مطالعه عمومی «موضوع‌شناسی فقهی»؛ به شکل ردیابی تاریخی موضوع‌شناسی از آغاز

تا به امروز؛ از جمله نمونه‌های جدی در این عرصه، مقاله «موضوع‌شناسی در سیر تاریخی از نگاه‌های ابتدایی تا نظریه‌های کاربردی» اثر احمد مبلغی است (مبلغی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۰-۴۸).  
 ب. مطالعات موردی «موضوع‌شناسی فقهی»، نزدیک فقیه تراز که از نمودهای این مطالعات، می‌توان به مقاله «موضوع‌شناسی در مکتب فقهی محقق اردبیلی» اثر یعقوب‌علی برجی اشاره کرد (برجی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۳۲-۲۴۸).

در میان این طیف نگاشته‌ها، مقاله «موضوع‌شناسی در سیر تاریخی» به نوعی پیشینه مستقیم پژوهش حاضر است؛ دیگر اشارات و نگاشته‌ها را نیز می‌توان به عنوان پیشینه عام و زمینه پژوهش برای بازیابی گفتمان و ادبیات بحث مورد مذاقه قرار داد.

### ادبیات پژوهش

- موضوع‌شناسی: «موضوع» اصطلاحی اصولی است که بر «مکلف، فعل او و یا امور خارجی» اطلاق می‌شود و حکم شرعی توقف بر آن دارد (مشکینی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۶۵-۲۶۶)؛ در تعبیر اصولیان: «موضوع، همه چیزهایی است که فعلیت حکم شرعی بر آن توقف دارد» (صدر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۳۸؛ غدیری، ۱۴۱۸ق، ص ۵۲۶؛ حسینی، ۲۰۰۷م، ص ۲۸۹). بر اساس نگاه اصولی، این اصطلاح مفهومی اعم از «متعلق حکم» و «متعلق متعلق» است.<sup>۱</sup> افزون بر معنای یاد شده، در لسان فقیهان و اصولیان مجموعه‌ای دیگر از مفاهیم و کلیدواژه‌ها در ارتباط با این موضوع رواج یافته است؛ از جمله این کلیدواژگان که می‌توان به آن اشاره کرد: «سبب یا علت حکم»، «اسم» و «عنوان» (ر.ک: بیات، ۱۴۰۳ش، ص ۳۰-۳۷).

«موضوع» اصطلاحی مختص به امامیه نبوده، در میان دیگر مذاهب اسلامی نیز جریان یافته است؛ چنانکه اصطلاح‌نگاران اهل سنت نیز «موضوع» را از منظر اصولی این‌گونه تبیین کرده‌اند: «آنچه حکم درباره آن صادر می‌شود».<sup>۲</sup>

بر این پایه «موضوع‌شناسی» حوزه دانشی و بحثی است که به رصد موضوعات و کیفیت مواجهه با آن و شیوه‌های تحلیل و شناخت آن اعتنا دارد؛ همچنین موضوع‌شناسی را گاه با عناوینی دیگر چون: «عنوان الموضوع»، «وصف الموضوع»، «مفهوم الموضوع» و «حقیقه الموضوع» یاد می‌کنند (التهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۷۹۳ و ص ۱۲۴۲).

۱. «دیدگاه‌های دیگری نطاق بحث و دایره موضوع (به اصطلاح اصولی) را گسترده‌تر دیده و مصادیق و تطبیقات حکمی رانیز، به مصطلح اصولی مورد اراده در موضوع‌شناسی داخل دانسته‌اند» (ر.ک: بیات، ۱۴۰۳ش، ص ۳۹۳۷).  
 ۲. ر.ک: سمیح دغیم، ج ۲، ص ۲۸۵۲، مبحث «في أصول الفقه: المحكوم عليه في القضية يسمي موضوعا».

- تحول یا تطور دانشی: «تحول یا تطور» را در لغت به «التارة» (ابن منظور، ۱۹۹۴م، ج ۴، ص ۵۰۷) و التارة را به «حین و مرة» (ابن منظور، ۱۹۹۴م، ج ۴، ص ۹۶) تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند: «طوراً بعد طور» و «تارةً بعد تارة» می‌شود (ابن منظور، ۱۹۹۴م، ج ۴، ص ۵۰۷) و آن را به حین و زمانی پس از زمان دیگر معنا کرده‌اند؛ یعنی این واژه برای شناخت و تفکیک مراحل زمانی کاربرد دارد.

این واژه در اصطلاحات تفکر انتقادی، مفهومی با معنای اخص است که در حوزه بحث‌های دانشی، آنگاه استخدام می‌شود که تغییری در افکار، آراء و اندیشه‌ها، نسبت به دوره پیشین پدیدار شده، ایده‌هایی جدید در حوزه دانش میدان داری می‌کند (جهامی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۶۶۹). این مفهوم با تکامل، توسعه و گسترش دانش نیز ملازم است (ر.ک: آذرنوش، ۱۳۷۹ش، ص ۴۰۵). در جامعه‌شناسی معرفت نیز نظریات متعددی نسبت به تغییر و تحول در علم و دانش مطرح شده است (حدادی، ۱۴۰۰ش، ص ۱۵۰۱۴۷)؛ مفهومی که از «تحول و تطور دانش» در این نگاه‌دیده‌نگاشته دنبال می‌شود، همان «دوره‌های تکاملی حرکت دانش» است که از آن با عبارت «مراحل تحول دانشی» در محور مبحث یعنی «موضوع‌شناسی فقهی» یاد می‌شود.

- تاریخ‌گذاری: در این نگاه‌دیده‌نگاشته منظور از «تاریخ‌گذاری» مفهومی عمومی و رایج و تابع مباحث مستشرقان است که با زاویه دید تاریخی نسبت به مصادر اسلامی شیوع و کاربرد یافته است. تاریخ‌گذاری در موضوعات حدیثی و قرآنی به معنای تعیین زمان تاریخی پیدایی قرآن و یا صدور حدیث است (ر.ک: میرهاشمی، ۱۴۰۲ش، ص ۸۷)؛ این مفهوم به مرور در حوزه‌های مباحث مختلف اندیشه دینی، اعم از پیدایش اندیشه‌های کلامی، نظریات فقهی و... نیز به کار رفته است. مقصود از «تاریخ‌گذاری» تحدید و تبیین دوره دانشی خاص و مرزبندی گذار از دوره‌ای تاریخی به دوره‌ای دیگر است؛ این تبیین بر پایه شناسایی و ردیابی شاخصه‌های دانشی قابلیت تحلیل، ارزیابی و رصد کردن است.

برای پاسخگویی به سؤال این پژوهش بر پایه مقدمات مذکور و ادبیات پژوهش، می‌توان «دوره‌گذاری» و مراحل تحولی در «موضوع‌شناسی احکام فقهی» را از رهگذر محورهای چهارگانه پیش‌رو چنین پی‌گرفت؛ گام نخست: خوانش دوره‌گذاری‌های پیشین بر پایه پیش فرض‌ها، آثار و نتایج مترتب بر آن، گام دوم: نقد این دست دوره‌گذاری‌ها بر پایه کاستی‌ها و پی‌آمدهای آن، گام سوم: قاعده‌گذاری شناخت دوره‌های تحولی مباحث دانشی فقه و در نهایت، گام چهارم: خوانش مراحل تحولی «موضوع‌شناسی احکام فقهی» در چهارچوب مراحل کلان تحول دانش فقه و بر پایه قواعد کلی بیان شده در تحلیل دوره‌گذاری مباحث دانش فقه.

## دوره‌گذاری‌های پیشین «موضوع‌شناسی فقهی»

مطابق با پیشینه بحث، دوره‌گذاری‌های در دسترس را می‌توان به دو عرصه «مطالعات عمومی تاریخ فقه و اصول امامیه» و نیز «واکاوی تاریخی موضوع‌شناسی فقهی» تقسیم و تبیین کرد.

در ساحت اول، یعنی «دوره‌گذاری‌های عمومی-تاریخی» به جهت تاریخ تحول دانشی، میان پژوهندگان تاریخ علم اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد. بدین ترتیب، گذار دوره‌های تاریخی بر فقه و اصول امامیه را عده‌ای در دو مرحله (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۳ ش، ج ۱، ص ۱۳)، برخی در سه مرحله (ر.ک: صدر، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۱؛ هادوی تهرانی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۲۸؛ سیستانی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۰۱۵)، گروهی در چهار مرحله (ر.ک: فاضل قائنی، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۹-۷۲؛ شهابی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۸۲)، برخی در شش مرحله (ر.ک: حکیم، ب، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۳۳-۳۴؛ علی‌پور، ۱۳۸۲ ش، ص ۶۹)، برخی در هفت مرحله (ر.ک: کاشف الغطاء، ۱۳۹۹ ق، ص ۸)، عده‌ای در هشت مرحله (ر.ک: گرجی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۵؛ جناتی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۱۰۱)، بعضی در نه مرحله (ر.ک: جناتی، ۱۳۷۴ ش، ص ۶۲-۲۵) و در پایان برخی در ده مرحله تاریخی (ر.ک: برجی، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۶-۲۱)، مورد ردیابی و مطالعه قرار داده‌اند.

البته عموم نگارندگان با صحه گذاردن بر این تفاوت دیدگاه‌ها و «دوره‌گذاری‌ها»، در تحلیل چرایی این تفاوت منظرها، توجه و تمرکز بر نکاتی چون: «مکاتب فقهی، مناطق جغرافیایی، مدارس فعال، بازه‌های زمانی، شخصیت‌های مبرز و...» می‌دانند (ر.ک: فرحان، ۲۰۰۸ م، ص ۵۹-۵۸؛ شهابی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۸؛ برجی، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۱-۲۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۳۳). افزون بر مطالب گفته شده، مؤلفه‌های «بازه زمانی» و «مراحل» به لحاظ تطبیق تاریخی نیز هم‌خوانی ندارد.<sup>۱</sup> این عدم هم‌خوانی حتی در تقسیمات مشابه نیز جریان دارد.<sup>۲</sup>

در ساحت دوم، یعنی مطالعه اختصاصی و «واکاوی تاریخی موضوع‌شناسی فقهی» محور مطالعه موضوع‌شناسانه فقیهان بوده است و در این محور فاقد هر نوع تنوع و ایده‌پردازی علمی هستیم. تنها موردی که به مطالعه این مسئله و تاریخ علم پژوهی در این باب پرداخته، مقاله «موضوع‌شناسی در سیر تاریخی از نگاه‌های ابتدایی تا نظریه‌های کاربردی» است. مقاله مذکور فارغ از مباحث مرتبط با دوره پژوهی و جایگاه تقسیمات، دوره‌گذاری‌های عمومی تاریخ فقه و

۱. مقایسه تطبیقی میان دوره‌گذاری‌ها، تفاوت نظر قائلین را در مؤلفه بازه زمانی آشکار می‌کند.

۲. مقایسه تطبیقی تلاش تاریخ‌پژوهانی که در کلیات تقسیم مشابه‌اند، بر این واقعیت صحه می‌گذارد؛ به‌عنوان نمونه دوره‌گذاری «شهید صدر» و «آیت الله سیستانی» هر دو سه مرحله‌ای است اما در مقام تطبیق کاملاً متفاوت بلکه متباین است.

اصول و اثربخشی آن بر فرایند تحول دانش «موضوع‌شناسی» تنها به مطالعه موردی این مبحث در آثار فقیهان می‌پردازد. در این مقاله مراحل تحول دانشی «موضوع‌شناسی» از زمان علامه حلی تا به امروز در قالب شش مرحله دانشی تبیین و تطبیق شده است (مبلغی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۸۱۰).

مراحل تاریخی و سیر تحول دانشی موضوع‌شناسی، به تفصیل در مقاله‌های: «پیدایی اندیشه توسط علامه»، «قلمرو شناسی موضوع با رویکرد مقارنه‌ای»، «دریافت و فهم تبدیل‌پذیر بودن موضوع»، «دگرگونی نظریه تبدیل‌پذیر بودن به نظریه اجتهاد در موضوع»، «قلمرو شناسی موضوع بر پایه مقایسه مناسبات حکم و موضوع» و نیز «ظهور عرفی‌نگری در قلمروشناسی موضوع و پیدایش دیدگاه نوین پیرامون دگرگونی موضوع»: ارائه و تبیین شده است.

### نقد دوره‌گذاری‌های پیشین «موضوع‌شناسی فقهی»

دوره‌گذاری‌های پیشین در چهارچوب مطالعاتی «تاریخ علم»، با چالش‌های جدی و اشکالاتی مواجه است. «تاریخ علم» اصلاحی معاصر ناظر به گرایش دانشی از «علم تاریخ» است که به بررسی تغییرات درک انسان از دانش در گذر زمان می‌پردازد (ر.ک: صلیبا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ راشد و امینی، ۱۳۹۹ش). محور اساسی در تاریخ علم، مطالعه چگونگی پدیدار شدن مسائل دانشی و شکل‌گیری اندیشه‌ها در اطراف هر علم و همچنین چگونگی انتقال اندیشه‌ها از متفکری به متفکر پس از خود است (ر.ک: جهامی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۵۴۷-۵۴۸). بر این اساس ردیابی مسائل دانش در سیر حرکت تاریخی‌شان و نیز اندیشه‌های جریان‌ساز شکل گرفته در ارتباط با هر موضوع مطالعه تاریخ علم خواهد بود.

در این رویکرد به تاریخ علم، گرایش‌ها و مذاهب اندیشه‌ای، جریان‌ات اجتماعی و سیاسی، مدارس و مکاتب دانشی و... همگی از فاکتورهای دانشی مورد مطالعه «تاریخ علم» بوده، در تحلیل فرایند شکل‌گیری دانش و سیر حرکت آن اثرگذار خواهد بود؛ چرا که صرف ایده و اندیشه‌ای محدود به تفکرات یک دانشمند، موضوع مطالعه تاریخ علم نخواهد بود (جهامی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۵۴۸).

با توجه به این مقدمه در باب تاریخ علم پژوهی، مهم‌ترین اشکالاتی که می‌توان به دوره‌گذاری‌های عمومی در مطالعات تاریخ فقه و اصول امامیه مطرح کرد، عبارت است از: محوریت دادن به جریان‌ها، مدارس، جغرافیا، شخصیت‌ها و دیگر عوامل جانبی؛ امری که دقت مطالعه را از مسائل دانش و اندیشه‌های مرتبط با آن منصرف کرده و به سمت عوامل خارجی دخیل در دانش سوق داده است؛ در نتیجه تنوع و تعدد نابه‌جای دوره‌گذارها را رقم زده است. برخی نیز برای گرفتار نیامدن به این مشکل، تقسیمات دوره‌ها را چنان کلی و دربردارنده

بازه‌های زمانی طولانی تصور کرده‌اند که فایده‌دوره‌گذاری‌ها و مطالعه تحولات دانشی مبتنی بر تاریخ علم را اساساً منتفی نموده‌اند.

مطالعه اختصاصی مربوط به تاریخ «موضوع‌شناسی فقهی» نیز با سه چالش و نکته جدی مواجه است:

- رویکرد مطالعه و نوع تلقی از مسئله «موضوع‌شناسی فقهی»؛

- ملاک تفکیک دوره‌های تحول دانشی؛

- مسامحه در به کارگیری اصطلاحات و نامگذاری‌ها.

رویکرد مطالعاتی و موضوع‌شناسانه در مقاله «موضوع‌شناسی در سیر تاریخی» ماهیت فکری - فلسفی دارد؛ این رویکرد موضوع‌شناسی را ماهیتی برآمده از اندیشه بشری و تلاش ذهنی بشر در ضابطه‌مند کردن استنباط و تلقی از دین و شریعت می‌داند (ر.ک: مبلغی، ۱۳۷۹، ش، ص ۱۱-۱۳). رویکردی که مانع ردیابی «موضوع‌شناسی» در دوره‌های آغازین فقه و شریعت اسلامی شده و به قناعت نویسنده به پژوهش در دوره‌های کمال اندیشه فقهی امامیه (یعنی از دوره علامه حلی تا به امروز) منتهی شده است. این اشکال در رویکرد، مطالعه، شناخت و تحلیل علامه نیز تأثیرگذار بوده است؛ چنانچه زمینه ورود ایشان و توجه علامه به این حوزه بحثی تابع نگاه منطقی تحلیل شده، همچنین ورود علامه به فقه مقارن و اثرپذیری از اهل سنت، تلقی شده و در نتیجه علامه مؤسس این مبحث تصور شده است (ر.ک: مبلغی، ۱۳۷۹، ش، ص ۱۳-۱۴).

این رویکرد به «موضوع‌شناسی» تام و تمام نیست؛ چرا که ردیابی مابه‌ازای مفهومی «موضوع‌شناسی فقهی»، نمایانگر این مطلب است که پیش از توجه دانشی بشر به «موضوع‌شناسی»، اهتمام و توجه به مسئله «موضوعات احکام» و ضرورت «موضوع‌شناسی» از سوی خود شارع طرح شده است<sup>۱</sup> و افزون بر آن در میان فقهای امامیه (پیش از علامه حلی) نیز این مسئله نمود و بروزی تام داشته است.<sup>۲</sup>

بر این اساس، اثرپذیری «علامه حلی» از اهل سنت نیز محل اشکال جدی است؛ زیرا

۱. متون روایی بسیاری که فراتر از تطبیق مصادیق به «موضوع‌شناسی» پرداخته، چه قواعد و جوانب بحثی «موضوع‌شناسی» را برای مخاطب بیان می‌کند، چه تبدیل موضوع را به مخاطب گوشزد می‌کند و چه مناسبات میان حکم و موضوع را تبیین و تأکید دارد و...؛ همگی بر تحقق اندیشه موضوع‌شناسی در دوران صدور دلالت دارند (ن.ک: کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ح ۶۹۲۷، ص ۱۸۵-۱۹۱؛ کلینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ح ۷۴۱۸۰، ص ۲۳۸؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ح ۶۱۱۸۳، ص ۳۸۱).

۲. مراجعه اجمالی به کتاب‌های فقهی پیش از علامه به خوبی نمایانگر جریان اندیشه موضوع‌شناسی در میان فقیهان امامیه است؛ به عنوان نمونه هم در مقدمه ابن ادریس بر کتاب سرائر التفات به موضوع‌شناسی اشعار شده است و هم در ابتدای کتب فقهی، جناب ابن ادریس به موضوع‌شناسی التفات جدی و روشمند داشته‌اند و ضمن نقل برخی تلاش‌های پیشین در موضوع‌شناسی به نقد و تحلیل آن نیز همت گمارده‌اند؛ (ر.ک: ابن ادریس الحلی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۱۱۶ و ۱۲۳).

در تفکری که پیدایی آن تابع نصوص شرعی است (یعنی بیانات صادره از معصومان علیهم‌السلام)، به صورت تبعی و طبیعی امامیه در اندیشه‌پردازی این موضوع تقدم دارد.<sup>۱</sup>

افزون بر اقتضای طبیعی این مبحث، واقع تاریخی نیز امکان تأثیرپذیری علامه حلی را از اهل سنت در «موضوع‌شناسی فقهی» نفی می‌کند؛ چرا که اولین نگارش جدی در «موضوع‌شناسی احکام» در نزد اهل سنت، آثاری چون: «تحدید المسائل»؛ (اثر عرسوسی ۷۸۵ق) و «واقعات المفتین» (نوشته عبدالقادر افندی ۱۰۸۵ق) است که هر دو مؤلف و کتاب‌هایشان متأخر از کتاب علامه حلی ۷۲۶ق به شمار می‌روند. در حقیقت می‌توان گفت که واقعیت تاریخی عکس تصور اثرپذیری علامه حلی از اهل سنت بوده، ایشان را به واسطه تقدم تاریخی و میدان‌داری اجتماعی - سیاسی می‌توان به عنوان عامل مهم و اثرگذار در تاریخ‌گذاری و سیر دوره این علوم تحلیل و معرفی نمود.

در مقاله «موضوع‌شناسی در سیر تاریخی» ملاک دوره‌گذاری نیز محل دقت و تأمل است؛ شاخصه‌هایی چون: «قلمروشناسی موضوع بر پایه مقایسه آن با موضوع دیگر»، «پیدایش نظریه تبدیل‌پذیر بودن موضوع»، «پیدایش نظریه اجتهاد در موضوع»، «قلمروشناسی موضوع بر پایه مقایسه موضوع با حکم خود» و...؛ مجموعه ملاک‌هایی هستند که با مشکل تداخل مفهومی مواجه‌اند. افزون بر مطلب فوق ترتب دانشی مفاهیم بر یکدیگر نیز مراعات نشده و محل اشکال است. فراتر از این دو نکته برخی از شاخصه‌های مذکور، مانند «تبدیل‌پذیر بودن موضوع» (کلینی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ح ۶/۹۲۷، ص ۱۸۵-۱۹۱) و «مناسبات میان موضوع و حکم آن» (کلینی، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ح ۱/۴۱۸، ص ۲۳۸؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ح ۶/۱۱۸۳، ص ۳۸۱؛ صدوق، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ح ۱۷۸۴، ص ۷۷-۸۱) چنانکه اشاره شد، از دوران صدور سابقه بحثی داشته و نمی‌تواند محصول دوره‌های متأخر باشد؛ اگرچه تعبیر از آن و تمییز تفصیلی آن در قالب اصطلاحاتی روشن در دوره‌های متأخر پدیدار شده، در واقع این مشکل از عدم تتبع جامع نسبت به تحولات و ردیابی نشدن سابقه بحثی ایجاد شده است.<sup>۲</sup>

مقاله «موضوع‌شناسی در سیر تاریخی»، نسبت به استفاده از اصطلاحات نیز مسامحه دارد؛ چنانکه در این مقاله حتی برای برخی شاخصه‌های جزئی مانند: «تبدیل‌پذیر بودن

۱. این واقعیت در نمودهای مختلف دانشی بروز و ظهور داشته است، از آن جمله: مقاصد الشریعة که (فاع از موافقت امامیه با این دیدگاه) تقدم امامیه در این مبحث، مورد تأکید خود اهل سنت نیز بوده است (ر.ک: ریسونی، ۲۰۱۴م، ص ۶۵).  
 ۲. چنانکه درباره «تبدیل‌پذیر بودن موضوع» به امین استرآبادی مستند شده است؛ افزون بر سابقه بحثی آن در روایتی که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت؛ در آثار استادان امین استرآبادی (یعنی شیخ حسن صاحب معالم و استاد ایشان یعنی مقدس اردبیلی) مصادیق کاربردی فراوانی وجود دارد که از ابتکارات امین استرآبادی نبوده است؛ ریشه‌های این مسائل در مباحث علامه حلی از جهت بازنگری در ماهیت موضوعات نیز قابل ردیابی است؛ چنانچه در بحث «صلاة المیت» در آثار متعدد علامه حلی نمود و بروز یافته است.

موضوع» اطلاق «نظریه» شده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد تا پیش از دوران معاصر، رویکرد جامعی که در بردارندهٔ پیش فرض‌های روشن، ابعاد و چهارچوب نظری قابل نقد و همچنین قواعد و روش قابل ارزیابی باشد، پدیدار نشده است تا بتوان بر آن اطلاق «نظریه» نمود.

بدین ترتیب مطالعهٔ تخصصی در حرکت اندیشه‌گانی فقه امامیه نسبت به «موضوع‌شناسی» به لحاظ رویکرد، گامی پیشرو در مسیر تاریخ علم است؛ اما با توجه به اهمال نسبت به دوره‌شناسی عمومی حرکت تاریخی اندیشهٔ فقهی و اصولی امامیه (به عنوان چهارچوب حاکم بر مطالعه موردی) گرفتار چالش‌هایی است. افزون بر آن نسبتِ ردیابی موردی نیز (بر پایه نکات مطرح شده) تمام و مطابق با واقع حرکت تاریخی اندیشه نیست.

### قاعده‌گذاری شناخت دوره‌های تحولی در مباحث دانشی فقه

گام آغازین در مطالعهٔ تاریخ علم و سیر حرکت اندیشهٔ علمی، ردیابی ریشه‌ها و زمینه‌های اندیشه‌گانی با اولویت در پدیدار شدن دانش است؛ به عبارت دیگر توجه به بستر پیدایی و اندیشه‌های آغازین، کلید اساسی فهم و ادراک چرایی و چگونگی بروز و ظهور دانش است. فهم چرایی و چگونگی پدیدار شدن دانش، نمایانگر ماهیت و حیث دانشی مورد مطالعه در هر حوزهٔ اندیشه بوده و به دنبال آن رویکرد مطالعاتی تاریخ علم را نیز مرزگذاری می‌کند.

موضوع مدّ نظر در این نگارش، زمینهٔ پیدایی اندیشهٔ «موضوع‌شناسی فقهی» و جوانب بحثی آن را باید در گزاره‌های شرعی صادر شده از معصومان علیهم‌السلام ردیابی کرد. بر این اساس و برخلاف مطالعات پیشین) مطالعهٔ تاریخ علمی و ردیابی تحولات دانشی «موضوع‌شناسی فقهی» را با رویکرد «ردیابی و اکتشاف» که با تعامل و ارتباط‌گیری با نصوص شرعی متناسب است، باید مورد پی‌جویی قرار داد.

در نظر گرفتن ایده‌پردازی‌ها و تلاش‌های بشری، همچنین مطالعهٔ تطبیقی سیر حرکت «موضوع‌شناسی» بر پایه سیر تکامل اندیشهٔ منطقی بشر و گمانه‌های اثرگذاری آن در تحولات دانش‌ها؛ اگرچه از مکمل‌های جدی مطالعات تاریخ علم است؛ نباید محور اصیل و رویکرد مطالعه قرار گیرد؛ زیرا به جهت عدم تناسب با طبیعت موضوع (که برآمده از فهم پیدایش این اندیشه است) به تلقی ناروا و تصوراتی غیرقابل تطبیق بر واقعیت تاریخی تحولات دانشی «موضوع‌شناسی فقهی» منتهی می‌گردد.

بنابراین در قالب این رویکرد مطالعاتی و برای خوانش آغازگاه تحولات دانشی «موضوع‌شناسی فقهی»، اول باید نسبت به مابه‌ازای نصی و گزاره‌های صادر شده در باب «موضوع‌شناسی فقهی»

تصویری روشن به دست آورد، تا در امتداد آن تحولات دانشی «موضوع‌شناسی فقهی» مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. این بدان معناست که پیدایی و مراحل تحول دانشی «موضوع‌شناسی فقهی» را باید از همان دوران صدور (دوران معصوم)، مورد مذاقه قرار داد. روشن است که با این تغییر رویکرد (بر خلاف مطالعات پیشین) حجم گسترده‌ای از منابع حدیثی و فقهی که پیش از زمان علامه حلی تدوین شده است در مطالعه تاریخ علمی «موضوع‌شناسی فقهی» مد نظر است.

دیگر نکته‌ای که در مطالعه تاریخ علم و در مباحث دانشی باید مورد دقت قرار گیرد، نسبت اجزاء به کل دانش حاکم بر آن است. در حقیقت تحول در یک جزء دانشی، تابع تحولات عام و اصول حاکم بر اندیشه‌های کلان آن دانش است. بی‌توجهی به سیر عمومی حرکت دانش و اکتفای به ردیابی و مطالعه یک مبحث گزیده (فارغ از کلیات حاکم) به برداشت‌های سلیقه‌ای و تحلیل‌های شخصی و غیرقابل تطبیق بر واقع منتهی می‌گردد.

بر این اساس در مطالعات تاریخ علم و تحولات دانشی «موضوع‌شناسی فقهی» باید توجه داشت که این مبحث دانشی، یکی از زیر مجموعه‌های مباحث اندیشه فقهی - اصولی امامیه بوده که باید در ضمن خوانش حرکت عمومی دانش (در اندیشه فقهی - اصولی امامیه) مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. بی‌توجهی به این مهم، کارهای پیشین را با چالش تحلیل‌های ناهمگون با واقع تاریخ مواجه ساخته است. بر این مبنا، الگوی مطالعه تاریخ علمی «موضوع‌شناسی فقهی» در دو سطح و دو لایه مطالعاتی قرار دارد:

- سطح اول: چهارچوب عمومی تاریخ اندیشه فقهی - اصولی امامیه (از پیدایی تا به امروز) با ترسیم مراحل تحول دانش، به عنوان تصویر کلی حاکم بر مطالعه «موضوع‌شناسی فقهی».

- سطح دوم: مطالعه اندیشه «موضوع‌شناسی فقهی» در مراحل تحول دانشی اندیشه فقهی - اصولی امامیه.

باید توجه داشت مسیر تبیین شده، الزاماً به هم خوانی حرکت کلی با حرکت اجزاء منتهی نمی‌شود و عدم تناسب رشد و حرکت یک جزء نسبت به دیگر اجزاء، امری قابل تصور و حقیقتی مطابق با واقع امر است؛ اما این نکته اخلاقی در مسیر منطقی مطالعه تاریخ علم ایجاد نمی‌کند؛ چراکه اثرپذیری اجزاء از حرکت عمومی، بسیار گسترده و غیر قابل انکار است.

به عنوان نمونه مصداقی روشن است که در «موضوع‌شناسی فقهی» روشن است که طبیعت دوران صدور و تلاش‌های قدما (متفاوت از تلاش‌های فقها)، در راستای ورود به فقه تفریعی و چالش‌های آن است؛ در حقیقت تفاوت‌های ساختاری و شیوه‌های بحثی میان این فقیهان سرانجام به تفکیک دوره‌ها در حرکت عمومی اندیشه فقهی - اصولی امامیه منجر شده است؛

۱. چنانکه در نقد مطالعات پیشین گذشت.

همین تفاوت که منشأ تفکیک این دوره‌های عمومی است، نقش کلیدی در سامان دادن به «موضوع‌شناسی فقهی» و تحول اندیشه‌ای این مبحث و دوره‌گذاری آن نیز دارد.

نکته مهم دیگری که در مطالعات تاریخ علم پژوهانه، باید ملاک و محور قرار بگیرند؛ شاخصه‌های متعدد «دوره‌گذاری» است. شاخصه‌های گوناگون اثرگذار بر فرایند تحولی دانش که در کارهای پیشین معیار قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- فضای عام تاریخی و حکومت‌ها؛

- مدارس و حوزه‌های درسی جدی و تأثیرگذار؛

- شخصیت‌های تحول‌آفرین و نظریه‌پردازان شاخص؛

- تحولات مسائل و موضوعات دانش (ر.ک: فرحان، ۲۰۰۸م، ص ۵۹، ۵۸).

به نظر می‌رسد نگاه به دانش از دریچه‌های کوچک عناصر و عوامل خارجی، مطالعه را با دو مشکل مواجه می‌سازد: «مصادره» و «محدودیت در تحلیل اندیشه». این در حالی است که مرور «متون دانشی» و «تحولات داخلی مسائل دانش»، ذات نورانی بی‌نهایتی است که حقیقت حرکت دانش را انعکاس می‌دهد و این مطالب، به معنای اکتفای به «متن دانش» در تحلیل مراحل و تحولات نیست! زیرا متن بدون بازتاب و انعکاس نمی‌تواند منشأ حرکت و جریان سازی قرار گیرد (ر.ک: راشد، روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۹۹). بنابراین در مطالعات تاریخ علم پژوهانه، همه این عناصر (اعم از عناصر داخلی و درون دانش و عناصر خارجی اثرگذار) دخالت دارند؛ اما باید محور اصلی مطالعه و ملاک جدی دوره‌شناسی را بر «طبیعت مسائل دانش و تحولات آن» قرار داد و در ضمن آن از دیگر شاخصه‌ها نیز برای تکمیل و تأمین جوانب بحثی و دانشی مطالعه بهره گرفت.

بر این پایه در مطالعه تاریخ تحولات دانشی «موضوع‌شناسی فقهی» باید موضوعات و مسائل محوری این حوزه بحثی، از آغاز پیدایش (یعنی از زمانی که این مباحث در لسان معصومان علیهم‌السلام مطرح شده، تا مباحث عمیق و پیچیده دانشی امروز) مورد مطالعه قرار گیرد و مطالب آغازین تا واقعیت معاصر «موضوع‌شناسی فقهی» مرحله‌گذاری شود و مراتب تحولی در ضمن آن عنوان گردد.

با توجه به نکات طرح شده، مطالعه تاریخ علم پژوهانه در باب «موضوع‌شناسی فقهی» زمانی تمام تاّم و قابل اعتنا و استناد است که به صورت چند سطحی؛ با رویکرد نص‌گرایانه و مبتنی بر ردیابی و اکتشاف، در چهارچوب (تقسیم عام) و دوره‌گذاری عمومی حرکت اندیشه فقهی - اصولی امامیه و نیز بر پایه طبیعت مسائل و تحولات موضوعی این حوزه بحثی صورت پذیرد.

## دوره‌گذاری مراحل تحولی «موضوع‌شناسی فقهی»

دوره‌های تحول دانشی - اندیشه‌گانی فقهی - اصولی امامیه را می‌توان در قالب مطالعات تاریخ علم پژوهانه (با مراعات اختلاف دیدگاه‌ها و جوانب بحثی طرح شده در هر دیدگاه) با اندکی تصرف، در هفت یا هشت مرحله تحولی جدی دوره‌گذاری کرد.<sup>۱</sup> دوره‌هایی که با محوریت مسائل دانشی و تحولات مسائل، مورد ردیابی قرار گرفته و به واسطه دیگر مؤلفه‌ها تکمیل شده است.

دوره‌های تحولی اندیشه فقهی - اصولی امامیه، عبارت است از:

- دوران صدور یا دوره تشریح: دوره‌ای که از نبی مکرم ﷺ آغاز شده، تا پایان عصر غیبت صغری را در برمی‌گیرد.

- دوران قدمائی: در این دوره پالایش و پردازش اطلاعات صادر شده در دوران معصوم و بسط و توسعه آن به نظریه‌ای جامع در پرتو مبانی امامیه تحقق یافته است. این فرایند از آغاز غیبت کبری تا قبل از ابن ادریس با مؤلفه‌های روشن و قابل ارزیابی تحقق یافته است.

- دوران گذار به فقه تفریعی: شاخصه این دوره تلاش فقیهان امامیه از «ابن ادریس» تا «محقق حلی» در مسیر ارتقای فقه امامیه به «فقه تفریعی» است؛ نمودهای این حرکت را می‌توان در نوع اعتراضات «ابن ادریس» و سوگیری‌های علمی مطرح شده توسط ایشان و گروهی از فقیهان این دوره، در مقابل دیگر فقیهان امامیه ردیابی و رصد کرد.

- دوران ارتقاء و تثبیت فقه امامیه به فقه تفریعی: این دوره با تلاش‌های «علامه حلی» تحقق یافت و تا شیخ حسن، صاحب معالم امتداد گرفت؛ در این دوره ورود گسترده به تفریع فقهی، تمهید قوائم و قواعد مورد نیاز برای حرکت توانمند فقیه در عرصه تفریع بروز و نمود یافت. «قاعده نگاری‌های فقهی و اصولی»، «رویکرد تطبیقی»، «فقه القرآن» و معادل آن در بحث‌های مرتبط با سنت؛ از نمودهای جدی این دوران است که با هدف توانمندسازی فقیه برای ورود به عرصه‌های نو ظهور «فقه تفریعی» پدیدار شده است.

- دوران اخباریه: در این دوره با تلاش‌های جدی عالمان، نقد فقه تفریعی و حرکت سریع و پرشتاب آن روبه‌رو هستیم. موضوع جدی نقدهای «اخباریه» نسبت به حرکت فقه تفریعی به

۱. روشن است که این تقسیم از پیش فرض‌های این نگارش بوده و در این نگاه‌شده مجالی برای ورود تفصیلی به فرایند اثباتی دوره‌گذاری عمومی اندیشه فقهی - اصولی امامیه نیست. این مهم در جای خود و در مقاله‌ای مستقل باید مورد واکاوی قرار گیرد. افزون بر آن میان تقسیم پیش فرض در این مقاله با دیگر دوره‌گذاری‌ها، در بازه زمانی دوره‌ها تغییر و تنافی جدی وجود ندارد. تفاوت این دوره‌گذاری با دیگر تلاش‌ها تنها در تحلیل دوره‌ها و فرایند شکل‌گیری و تکامل مباحث دانشی آنهاست. (رک: حکیم، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷۵، ۱۷۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ج ۱ ص ۳۳-۳۴؛ علی پور، ۱۳۸۲ش، ص ۶۹؛ کاشف الغطاء، ۱۳۹۹ق، ص ۶؛ گرجی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۵؛ جناتی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۱۰۱؛ جناتی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۲، ۲۵؛ برجی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۶۲).

«تبیین نسبت هویتی» این فرایند دانشی جدید با «هویت فقهی امامیه» ناظر است. این دوران از «امین استرآبادی» آغاز شده، تا «محقق بحرانی» امتداد می‌یابد.

- دوران تعمیق مباحث دانشی فقه و اصول: این دوره از «وحید بهبهانی» آغاز شده، تا «شیخ انصاری» به پیش می‌رود. عالمان و فقیهان این دوران با بهره‌گیری از تمهیدات دوره اخباریه به واکاوی و ژرف اندیشی، مطالعه دقیق و بررسی همه جانبه مسائل و مباحث همت گمارده‌اند. رویکردی که در همه آثار به یادگار مانده از این دوران، به روشنی قابل خوانش و ردیابی است.

- نظریه پردازی و مقارنه: این دوران از «آخوند خراسانی» و «حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی»، یعنی شاگردان صاحب علم و فضل «میرزای شیرازی» آغاز شده، تا به امروز امتداد یافته است. تلاش جدی علمای امامیه در این دوره و در گام نخست، به نظریه پردازی در حوزه‌های مختلف دانشی به ویژه اندیشه‌های فقهی - اصولی امامیه معطوف بوده است و در گام دوم، مقارنه این نظریات با دیدگاه‌های هم عرض در دیگر مذاهب اسلامی و گرایش‌های مختلف علوم انسانی محل نظر است.

چنانچه مشاهده شد، مطالعه و ردیابی «موضوع‌شناسی فقهی» در چهارچوب دوره‌های عمومی حرکت اندیشه فقهی - اصولی امامیه، نمایانگر تلاش‌های جدی فقیهان، در پنج مرحله تحولی مهم از مراحل هفت‌گانه حرکت عمومی اندیشه فقهی - اصولی امامیه است: دوران صدور یا دوره تشریح، دوران گذار به فقه تفریعی، دوران ارتقای فقه امامیه به فقه تفریعی، دوران تعمیق و ژرف اندیشی فقیهان امامیه و دوران نظریه پردازی.

گزاره‌های حدیثی باقی مانده از دوران صدور، نمایانگر پیدایش اندیشه «موضوع‌شناسی فقهی» و دیگر جوانب علمی آن مانند: «تبدیل پذیر بودن موضوع» و «مناسبات میان حکم و موضوع» در مقام تعلیم فقیهان اصحاب، در دوران تشریح است (کلینی، ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ح ۶/۹۲۷، ص ۱۸۵-۱۹۱؛ کلینی، ۱۳۸۷ ش، ج ۵، ح ۱/۴۱۸، ص ۲۳۸؛ طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ح ۶/۱۱۸۳، ص ۳۸۱؛ صدوق، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ح ۱۷۸۴، ص ۷۷-۸۱). حقیقتی که تا پایان دوران «فقه قدمایی» نمودی ثابت و تابع تمرکز بر گزارش‌های حدیثی دارد.<sup>۱</sup> خارج نمودن مرحله فقه قدمایی از مراحل هفت‌گانه حرکت تحولی اندیشه فقهی - اصولی امامیه نسبت به «موضوع‌شناسی فقهی»، تابع این حقیقت است که موضوعات و مسائل در این دوره تغایر و تفاوت چشمگیری با موضوعات مطرح شده در دوران تشریح یا عصر معصوم علیه السلام ندارد. افزون

۱. ن. ک: به تعبیرات توصیفی شیخ طوسی در کتاب المبسوط که در مقام ابراز اندیشه فقهی امامیه در قبال دیگر مذاهب است. شیخ طوسی تصریح دارد که مسائل و فروع بحثی، از حدود گزاره‌ها فراتر نمی‌رود، گزاره‌های حدیثی مجموع مسائل را پوشش داده، فقیه امامی را از قرائس و ظنیاتی این چنینی مستغنی می‌سازد؛ (طوسی، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۲).

بر آن تلاش‌ها در دورهٔ قدمایی منعطف به تجمیع اطلاعات صادره از معصوم علیه السلام، پرورش و رساندن آن به محدودهٔ یک نظریهٔ جامع و گسترش مباحث، متناسب با نظریه و تابع با آن بوده است که چندان ورود چشمگیری به حوزهٔ موضوعات نوپدید در آثار باقی مانده از این دوران مشهود نمی‌باشد.

در «دوران گذار به فقه تفریعی» که با پرچمداری «ابن ادریس» تا «محقق حلی» امتداد داشت؛ اساس حرکت تحولی اندیشهٔ فقهی - اصولی امامیه را همان توجه تفصیلی به «موضوع» و به‌روزرسانی استنباط در قالب موضوعات نوپدید و بازنگری در موضوع‌شناسی فقهی تشکیل می‌دهد (برای بررسی بیشتر نمونه‌ها، ن.ک: ابن ادریس الحلی، ۱۳۷۸ش، ج ۸، ص ۱۱۶ و ۱۲۳). در حقیقت می‌توان گفت عنصر محوری محرک، در ارتقای اندیشهٔ فقهی - اصولی امامیه همانا «موضوع‌شناسی فقهی» است؛ امری که به‌دنبال نیاز عصری و به واسطهٔ فاصله گرفتن از دوران تشریح و تفاوت‌ها و تغایر موضوعات هر زمان با دوران صدور، پدیدار می‌شود.

با ورود امامیه به عرصهٔ گستردهٔ «فقه تفریعی و تلاش برای تثبیت آن» در اندیشهٔ فقهی - اصولی امامیه، تحولات شگرفی پدیدار می‌شود. پرچمدار این حرکت «علامه حلی» بودند که تا «شیخ حسن صاحب معالم» این دوران ادامه داشت. در میان تلاش‌های این دوران «موضوع‌شناسی فقهی» محور اساسی تحولات اندیشهٔ فقهی - اصولی امامیه است؛ چرا که تفریح از رهگذر توسعهٔ مسائل و بازنگری در ماهیت و موضوعات در آثار فقیهان این دوران شکل گرفته است.<sup>۱</sup> نمود جدی تلاش فقیهان در این دوره با ردیابی حداکثری مسائل و موضوعات فقهی و تلاش برای بازشناسی و نسبت‌سنجی موضوعات نوپدید با موضوعات پیشین همراه شد؛ حقیقتی که در امتداد آن توانمندسازی فقیه به واسطهٔ بسط قواعد و مبادی دانشی در مقام مواجهه با موضوعات مورد نظر قرار گرفته است.

خارج نمودن مرحلهٔ «اخباریه» از عرصهٔ مطالعاتی و مراحل تحولی اندیشهٔ «موضوع‌شناسی فقهی» از آن روست که عمدهٔ تلاش‌ها در این دوره، به سمت نسبت‌سنجی مباحث و مسائل واکاوی شدهٔ نوپدید منعطف است؛ نسبت‌سنجی این مسائل نوپدید در دورهٔ «تثبیت فقه تفریعی» با هویت اندیشهٔ فقهی - اصولی امامیه، بر پایه گزاره‌های مانده از عصر صدور است.<sup>۲</sup> لذا در این دوران (بر پایه آنچه در آثار و تراث انعکاس یافته است) نمودی جدی و گسترده از توجه به «موضوع‌شناسی فقهی» پدیدار نشده است؛ اگرچه برخی تلاش‌ها مانند کشف اللثام اثر

۱. به‌عنوان نمونهٔ آثاری که در این دوران تدوین شده کتاب تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الامامیه اثر علامه حلی است که در مقام تحدید موضوعات و رصد کردن حداکثری آن (اعم از مسائل پایه و فروع تابع آن، فارغ از تفضیلات اثباتی حکم شرعی) قابل ذکر است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۰۲۹).

۲. این حقیقت با مرور اجمالی آثار فاخر این دوران روشن می‌شود؛ ن.ک: الوافیة اثر فاضل تونی؛ همچنین الحدائق الناضرة نوشتهٔ شیخ یوسف بحرانی و... .

فاضل هندی از رگه‌های موضوع پژوهانه فقهی ارزشمندی برخوردارند.

در دوره اخباریه حرکت تحولی جدی در اندیشه «موضوع‌شناسی فقهی» پدیدار نشد، می‌توان گفت «موضوع‌شناسی فقهی» در زمره اولویت‌های پژوهشی دوران اخباریه قرار نگرفته است؛ اما همین تلاش‌های شکل گرفته در این دوران، زمینه‌ساز جهشی اجتهادی در «موضوع‌شناسی فقهی» بود. چنانکه با التفات به چالش‌های جدی طرح شده در دوران اخباریه از «وحید بهبهانی» تا «شیخ انصاری» مباحث عمق بیشتری در اندیشه فقهی - اصولی امامیه جریان می‌یابد. رفع و دفع اشکالات تابع مباحث جدید و مناسبات طرح شده در دوره اخباریه، وجهه همت فقیهان عصر تعمیق است؛ حقیقتی که ژرفای جدی اندیشه فقهی - اصولی امامیه را آشکار می‌کند.

با پیدایی جوانب دانشی بحث از موضوعات فقهی و نقش و کاربست‌های آن در تطبیق حکم شرعی، زمینه برای نگاه‌های جامع بر پایه مبانی نظری روشن و در قالب چهارچوب پژوهشی فراهم شد؛ این مبانی نظری زمینه‌ساز ارزیابی و نقد آرا و همچنین نتایج قابل پیش‌بینی ارائه کرد. بنابراین تبیین مناسبات در عرصه‌ای فراتر از حکم و موضوع که تابع پیش‌فرض‌هایی روشن بوده، همراه با مراعات نسبت دانشی میان قواعد مورد استخدام، اندیشه فقهی - اصولی امامیه را به مرتبه نظریه‌پردازی ارتقاء داد. «موضوع‌شناسی فقهی» نیز از این مرحله تحولی جانماند و توانست نمودهایی حائز اهمیت و جدی را به خود اختصاص دهد.<sup>۱</sup> افزون بر این با استوای نظریه‌پردازی‌ها و توسعه آن در عرصه اندیشه فقهی - اصولی امامیه، تلاش برای مقارنه بیشتر میان نظریات امامیه با تلاش‌های مذاهب اسلامی و رویکردهای علوم انسانی پدیدار شد.<sup>۲</sup> حقیقتی که توانست سرآغاز تحولات بسیاری در عرصه پژوهشی «موضوع‌شناسی فقهی» باشد.

در حقیقت می‌توان گفت که «موضوع‌شناسی فقهی» در دوره‌هایی به جهت اولویت‌های پژوهشی اصولیون و فقهای امامیه، با وقفه مواجهه شده است؛ اما در عموم دوره‌های تحولی حرکت اندیشه امامیه، هم‌گام با دیگر تحولات، فرایند رو به رشدی را تجربه کرده است. فراتر آنکه در برخی دوره‌های تحولی در اندیشه فقهی - اصولی امامیه، شاخصه اصلی و نماد تحولی حائز اهمیت، همان «موضوع‌شناسی فقهی» است و التفات بدان توانسته زمینه‌سازی شکل‌گیری تمهیدات دانشی دیگری را نیز فراهم کند.

۱. مطالعه و مرور تراث فقهی از زمان آخوند خراسانی تا به امروز به ویژه تنبیه الملة، اثر نائینی و مصادیقی از مباحث موضوع‌شناسانه در مطالب فقهی آیت الله بروجردی، امام خمینی، سید خونی و... از نمودهای جدی مطالعه گسترده و تابع پیش‌فرض‌های روشن است، نمونه‌هایی با چهارچوب نظری قابل نقد و همراه با بهره‌گیری جامع از قواعد دانشی اصولی حاکم بر آن، برای دستیابی به نتایجی قابل پیش‌بینی که از آن به نظریه‌پردازی تعبیر می‌شود.

۲. از نمونه‌های حائز اهمیت می‌توان به: تحریر المجله، نوشته محمدحسین کاشف الغطاء؛ اقتصادنا و مجتمعنا، نگاشته محمدباقر صدر و نیز بسیاری از نگاشته‌های عباسعلی عمید زنجانی و... اشاره کرد.

## نتیجه‌گیری

دوره‌گذاری تحولی «موضوع‌شناسی احکام فقهی» در دو سطح «دوره‌گذاری‌های عمومی تاریخ فقه و اصول» و «واکاوی اختصاصی تاریخ موضوع‌شناسی احکام فقهی» قابل‌ردیابی است. مهم‌ترین اشکال دوره‌گذاری‌های پیشین عدم تمرکز بر تحول مسائل و انصراف به مقولاتی چون: جریان‌ها، مدارس، شخصیت‌ها، جغرافیا و دیگر عوامل جانبی در دوره‌گذاری بوده است؛ در حالی که محور اساسی در مطالعات تاریخ علم، همانا پدیداری مسائل و شکل‌گیری اندیشه‌های منتزع از آن است. البته گرایش‌ها و مذاهب اندیشه‌ای، جریانات اجتماعی و سیاسی، مدارس و مکاتب دانشی و... همگی از فاکتورهای دانشی مورد مطالعه «تاریخ علم» به‌شمار می‌روند که در تحلیل فرایند شکل‌گیری و سیر حرکت هر دانشی اثرگذار خواهد بود.

مطالعه اختصاصی پیشینی نسبت به تاریخ «موضوع‌شناسی فقهی» با سه چالش و نکته مهم مواجه است: ۱. رویکرد مطالعه و نوع تلقی از مسئله «موضوع‌شناسی فقهی» دارای ماهیتی فکری فلسفی است. ۲. ملاک تفکیک دوره‌های تحول دانشی روشن نبوده، با مشکل تداخل مفهومی مواجه‌اند. ۳. گاه در به‌کارگیری اصطلاحات و نامگذاری‌ها، قدری مسامحه دیده می‌شود.

مطالعه تاریخ علم‌شناسانه موضوع‌شناسی احکام فقهی تابع التفات به سه محور است: ۱. ردیابی ریشه‌ها و زمینه‌های اندیشه‌گانی پدیداری دانش؛ ۲. تغییر سویه پژوهشی از نگاه‌های ابداعی (اختراعی مبتنی بر تلاش‌های صرف اندیشه بشری) به سوی رویکرد ردیابی و اکتشاف متناسب با طبیعت مباحث؛ ۳. التفات به نسبت منطقی اجزاء با کل دانشی حاکم بر آن (موضوع‌شناسی فقه و اصول) و نیز مطالعه تحول در یک جزء دانشی (به صورتی که تابع تحولات عام و اصول حاکم بر اندیشه‌های کلان دانش باشد).

به این ترتیب تاریخ علم پژوهانه موضوع‌شناسی احکام فقهی را می‌توان به دوره‌هایی مشخص که در بردارنده مؤلفه‌های تطور در هر دوره باشد، قاعده‌گذاری کرد.

مطالعه و ردیابی «موضوع‌شناسی فقهی» در چهارچوب دوره‌های عمومی حرکت اندیشه فقهی-اصولی امامیه، نمایانگر تلاش‌های فقیهان، در پنج مرحله تحولی جدی از مراحل هفت‌گانه حرکت عمومی (اندیشه فقهی-اصولی امامیه) است:

- دوران صدور یا دوره تشریح؛
- دوران گذار به فقه تفریعی؛
- دوران ارتقای فقه امامیه به فقه تفریعی؛
- دوران تعمیق و ژرف‌اندیشی فقیهان امامیه؛
- دوران نظریه پردازی.

## فهرست منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۷۹ش)، فرهنگ معاصر عربی، فارسی، تهران: نشر نی.
۲. ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۳۷۸ش)، موسوعة ابن ادریس الحلّی، محقق: محمد مهدی خراسان، قم: دلیل ما.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۹۹۴م)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۴. بحرانی، یوسف، (۱۳۶۳ش)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۵. برجی، یعقوب علی، (۱۳۹۳ش)، تاریخ علم اصول و فقه در شیعه، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۶. بیات، حجت اله، (۱۴۰۳ش)، نیمه اول اجتهاد (ویراست دوم)، قم: نشر موضوع شناسی.
۷. التهانوی، محمد علی، (۱۹۹۶م)، موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، محقق: علی دحروج، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۸. جناتی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۴ش)، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶ش)، تطورا اجتهاد در حوزه استنباط، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۰. جهامی، جیرار و سمیح دغیم، (۲۰۰۶م)، الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي والإسلامي (تحلیل و نقد)، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۱. حدادی، علیرضا، (۱۴۰۰ش)، «انواع تحول در دانش انسانی»، فصلنامه نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره یازدهم، شماره ۳.
۱۲. حسینی، محمد، (۲۰۰۷م)، الدلیل الفقهي تطبیقات فقهية لمصطلحات علم الأصول، دمشق: مرکز ابن ادریس الحلّی للدراسات الفقهية.
۱۳. حکیم، سید منذر، (۱۳۹۴ش)، مجتمعا، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۰ق)، مراحل تطور الاجتهاد في الفقه الإمامی، قم: مجله فقه اهل البيت (ع)، سال چهارم، شماره ۱۳.
۱۵. دغیم، سمیح و جیرار جهامی، (۲۰۰۶م)، الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي والإسلامي؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۶. راشد، رشدی، (۱۳۹۹ش)، معرفت شناسی و تاریخ علم، امینی، روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۲۴ دی ماه.
۱۷. ریسونی، احمد، (۲۰۱۴م)، محاضرات في مقاصد الشريعة، قاهره: دارالکلمة.
۱۸. سبحانی، جعفر، (۱۳۹۳ش)، الوسيط في أصول الفقه، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۱۹. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۲۰. سیستانی، سید علی، (۱۴۱۴ق)، الرافد في علم الأصول، مقرر: السيد منير السيد عدنان القطيفي، قم: مهر.
۲۱. شهابی، محمود، (۱۴۱۷ق)، ادوار فقه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۲. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱ق)، المعالم الجديدة، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۲۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۴ق)، اقتصادنا، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، قم.
۲۴. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ق)، دروس في علم الأصول (الحلقة الأولى)، قم: مجمع الفكر الإسلامي.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۳ش)، من لایحضره الفقيه، محقق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
۲۶. صلیبا، جمیل، (۱۴۱۴ق)، المعجم الفلسفی بالألفاظ العربیة و الفرنسیة و الإنکلیزیة و اللاتینیة، بیروت: الشركة العالمیة للکتاب.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵ق)، تهذیب الأحکام، محقق: سید حسن خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۸. ۳ (۱۳۷۸ق)، المبسوط فی فقه الامامیة، محقق: محمد باقر بهبودی، تهران: مکتبه مرتضویه.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۳۰. علی پور، مهدی، (۱۳۸۲ش)، درآمدی بر تاریخ علم اصول، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۱. غدیری، هبذ الله عیسی ابراهیم، (۱۴۱۸ق)، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهیة، بیروت: دار المحجة البيضاء.
۳۲. فاضل تونی، المولی عبد الله بن محمد البشروی الخراسانی، (۱۴۱۵ق)، الوافیة، محقق: سید محمد حسن رضوی کشمیری، قم: مجمع الفكر الإسلامي.
۳۳. فاضل قائنی، علی، (۱۳۷۶ش)، علم الأصول تاریخاً وتطوراً، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۴. فرحان، عدنان، (۲۰۰۸م)، الاجتهاد عند الشیعة الامامیة، بیروت: دارالسلام.
۳۵. کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا، (۱۳۹۹ق)، أدوار علم الفقه وأطواره، بیروت: دارالزهراء.
۳۶. کاشف الغطاء؛ محمد حسین، (۱۴۲۲ق)، تحریر المجله، محقق: محمد الساعدي، قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامیة.
۳۷. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷ش)، الکافی، محقق: محمد حسین درایتی، قم: دار الحدیث.
۳۸. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۷۹ش)، تاریخ فقه و فقها، تهران: سمت.
۳۹. مبلغی، احمد، (۱۳۷۹ش)، «موضوع شناسی در سیر تاریخی از نگاه های ابتدایی تا نظریه های کاربرد» مجله فقه؛ دفتر تبلیغات، شماره ۲۳، بهار ۱۳۷۹ش، ص ۴۸۱۰.
۴۰. مشکینی، علی، (۱۳۹۲ش)، اصطلاحات الأصول ومعظم أبحاثها، ابراهیمی. احسانی فر، قم: دارالحدیث.
۴۱. میرهاشمی، فاطمه سادات و حمیدرضا بصیری، (۱۴۰۲ش)، «تاریخ گذاری حدیث، روش ها و

- راهکارها»، مجله حدیث پژوهی، سال ۱۵، شماره ۲۹، بهار و تابستان.
۴۲. نائینی، محمد حسین، (۱۳۹۳ش)، تنبیه الامة و تنزیه الملة، مصحح: سید جواد ورعی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۴۳. هادوی تهرانی، محمد مهدی، (۱۳۷۹ش)، تاریخ علم اصول از دیدگاه شهید صدر، گردآورنده: محمد کاظم روحانی، قم: خانه خرد.
۴۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۲ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.



## التصنيف المرحلي لتحوّلات «تشخيص الموضوع الفقهي» في تاريخ فقه الإمامية

السيد محمد حسن الحكيم

### ملخص البحث

مسألة هذا البحث هي الدراسة والتنقيب عن التحوّلات البنيوية العلميّة في «تشخيص الموضوع الفقهي»، وتنبع أهميّة هذه التحوّلات من أنّها منشأ تكوّن المراحل أو الأدوار التاريخية في مسار حركة الفكر الفقهي والأصولي للمذهب الإمامي. وتواجه دراسة تأريخ الدراسات العلميّة في هذا المجال العلميّ مشاكل من قبيل التحامل والأحكام المسبقة وإشكاليات منهجية وعدم تطابق مع الواقع التاريخي. يحاول هذا البحث تقييم ودراسة «تشخيص الموضوع الفقهي» من خلال مقارنة ظاهراتية (فينومولوجية) بناء على كشف الواقع التاريخي في مضمار حدوثه، ويبدو أنّ تحقيق هذه المهمّة يتطلّب قراءة «تشخيص الموضوع الفقهي» ضمن إطار الحركة العامة للفكر الفقهي والأصولي عند الإمامية ومراحله العلميّة، وهذا المقال قام بدراسة المراحل العلميّة بناء على تحوّلات «المسائل» أو «الموضوعات» في هذا المجال، كما أن معايير أخرى مثل: الشخصيات، المدراس، البيئة الجغرافية وغيرها وإن لم تكن مركزية في الدراسة إلا أنّها لوحظت تكميلاً للدراسة، التي أظهرت خمس مراحل من التطوّر التاريخي في تكوين وتكامل «تشخيص الموضوع الفقهي» وصعوداً في مسار الفكر الفقهي والأصولي عند الإمامية.

الألفاظ المفتاحية: التصنيف المرحلي، التحوّل العلمي، تأريخ الفقه، تشخيص الموضوع.

١. أستاذ مساعد في مركز أبحاث علوم الحديث ومعارفه، بمعهد أبحاث القرآن والحديث، قم، إيران، hasan.hakim@yahoo.com.



## Periodization of the Developmental Stages of Jurisprudential Subject-Matter Study in the History of Imāmī Jurisprudence

Sayyid Mohammad-Hasan Hakim<sup>2</sup>

### Abstract

This study examines the fundamental transformations in the scholarly discipline of jurisprudential subject-matter study. The significance of these transformations lies in their role in forming historical “periods” or “phases” in the trajectory of Imāmī legal-intellectual thought. Previous historical studies on this field have suffered from biases, methodological shortcomings, and inconsistencies with actual historical developments. This research aims, through a phenomenological approach grounded in historical realities, to evaluate jurisprudential subject-matter study by situating it within the broader movement of Imāmī fiqh and uṣūl (jurisprudence and its principles), and the evolution of its knowledge stages. The stages of this discipline are analyzed primarily based on transformations in the “issues” or “subjects” of its discourse. Other factors—such as scholarly figures, schools of thought, and geographical context—while not the central focus, are examined as complementary elements in the study. The research outlines five historical stages in the emergence and development of jurisprudential subject-matter study, demonstrating its progression within the Imāmī legal-intellectual tradition.

**Keywords:** Periodization, epistemic development, history of jurisprudence, subject-matter study.

1. Assistant Professor, Research Institute for Ḥadīth Sciences and Teachings, Qur’ān and Ḥadīth Research Institute, Qom, Iran. Email: hasan.hakim@yahoo.com.